



روش آیت‌الله معرفت ; در «التفسیر الأثری الجامع»

طاهره رجایی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

چکیده:

روش‌شناسی تفاسیر، از جمله مباحث فلسفه تفسیر بوده و از حوزه‌های نوپایی است که امروزه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. شناخت روش مفسر راه را برای آشنایی با تفاسیر و دیدگاه مفسران آنها هموار می‌سازد. این مقاله روش تفسیری آیت‌الله معرفت ; در «التفسیر الاثری الجامع» را بیان و بررسی می‌کند. در آن شناخت‌نامه‌ای از مفسر ارائه شده تا خواننده با زندگی‌نامه مفسر و آثار او آشنا گردد. توصیفی از التفسیر الاثری الجامع ارائه گردیده، روش تفسیر مفسر در آن بیان شده و به تحلیل و نقد آن پرداخته است. نگارنده در انتها ویژگی‌های التفسیر الاثری الجامع را بیان نموده و روش غالب آن را، روش نقلی دانسته است.

کلید واژه‌ها:

آیت‌الله معرفت ; / التفسیر الاثری الجامع / روایات تفسیری

زندگی‌نامه مفسر

علامه محمد هادی معرفت ; در سال 1309 شمسی در خانواده‌ای روحانی در کربلا دیده به جهان گشود. وی در حوزه‌های علمیه کربلا، نجف و قم تحصیلات خویش را در زمینه‌های ادبیات، منطق، ریاضی، اصول، فقه و فلسفه نزد اساتیدی

بنام، فقهای عالی‌قدر و مجتهدانی گران‌قدر¹ فرا گرفت و پس از هجرت به قم، در بحث‌های آیات عظام گلپایگانی؛ اراکی؛ و میرزا هاشم آملی؛ شرکت نمود. این عالم قرآن پژوه و فقیه پارسا در کنار تحصیل، به تحقیق و تألیف همت گماشت و آثار فراوانی در زمینه علوم قرآنی و فقه از خود به یادگار گذاشت. از آن جمله می‌توان به «التمهید فی علوم القرآن» (ده مجلد)، «تنزیه انبیاء»، «تناسب آیات»، «تاریخ قرآن» و «التفسیر الاثری الجامع» (شش مجلد) در زمینه قرآنی؛ «و تمهید القواعد»، «حدیث لا تعاد»، «ولایة الفقیه ابعادها و حدودها»، «مالکیة الأرض» و «احکام شرعی» در زمینه فقه اشاره کرد. همچنین کتاب‌های «تناسخ الارواح»، «پرتو ولایت»، «جامعه مدنی» و «ولایت تشریح» از دیگر آثار آن اندیشور فرزانه است. وی پس از 76 سال عمر با برکت و پر بار، در دی‌ماه 1385 دیده از جهان فرو بست. روحش شاد و یادش گرامی باد.

انگیزه نگارش «التفسیر الاثری الجامع»

آخرین تألیف ارزشمند و گرانمایه آیت‌الله معرفت؛ «التفسیر الاثری الجامع» است. این تفسیر با همکاری دو گروه ده نفری از سال 1379 آغاز گردیده و تا پایان قرآن کریم فیش برداری شده است، اما فقط تا انتهای سوره بقره به قلم ایشان نگارش یافته و به زیور طبع آراسته گردیده است. آیت‌الله معرفت انگیزه و هدف خویش از تألیف این کتاب را این‌گونه بیان می‌کند:

«روایات تفسیری، جملگی به صورت خام در کتاب‌ها عرضه شده است و کاری که فقها بر روی روایات فقهی انجام می‌دهند، بر روی روایات تفسیری انجام نگرفته و لذا سلیم و سقیم به هم آمیخته است. برای جداسازی و تعیین سرنوشت نخبه تفاسیر روایی با همت دوستان فاضل خویش به این کار خطیر اقدام نمودم.»
(آفتاب معرفت، /10)

و در مدخل تفسیر به همین مطلب اشاره نموده است. (التفسیر الاثری الجامع،



سبک و ساختار تفسیر

اولین مجلد «التفسیر الاثری الجامع»، شامل مقدمه‌ای است در حدود 250 صفحه که می‌توان آن را عصاره‌ای از برخی مباحث تألیفات مفسر در زمینه علوم قرآنی دانست؛ مباحثی چون فضایل القرآن، التفسیر و التأویل (الظهر و البطن)²، صیانة القرآن من التحریف، التفسیر الاثری فی مراحلہ الاولى، آفات تفسیر³، الحروف المقطعه فی اوایل السور و نقد الآثار علی منصة التمهیس⁴.

پس از مقدمه، تفسیر سوره‌ها به صورت ترتیبی از سوره حمد آغاز شده است.⁵ خاتمه مجلد اول این تفسیر، پایان سوره حمد است و پنج مجلد دیگر به تفسیر سوره بقره اختصاص یافته است.

در این تفسیر ابتدا بخش‌های آیات تعیین گردیده و مفسر با استفاده از محتوای روایات موجود درباره آن، تفسیری اجمالی از آن ارائه نموده و سپس روایات مربوط به هر بخش را ذکر کرده که معمولاً به صورت ذیل دسته‌بندی شده است: روایاتی در بیان فضیلت سوره؛ روایاتی در بیان شأن نزول؛ روایاتی مربوط به قرائت؛ روایاتی در تفسیر واژگان و مفردات آیه؛ روایاتی در تفسیر مستقیم یا متناسب با آن بخش از آیات؛ روایات مجعول و اسرائیلیات.

جمع‌آوری روایات این تفسیر با همکاری گروهی از فضلاء حوزه صورت پذیرفته و تا پایان قرآن فیش برداری شده است، اما تنها تا انتهای سوره بقره که متشکل از شش مجلد است، به قلم آیت‌الله معرفت؛ به نگارش درآمده است که جلد اول آن شامل مقدمه و تفسیر سوره مبارکه حمد و پنج مجلد دیگر آن در بر دارندۀ تفسیر سوره بقره می‌باشد. ان شاءالله به همت گروه تفسیری، ادامه تفسیر به روش ایشان نگاشته خواهد شد که در حدود چهل مجلد پیش‌بینی شده است.

منابع «التفسیر الاثری الجامع»

معرفی منابعی که مفسر در تفسیر خود بدان استناد نموده، علاوه بر اهمیت آن در شناخت روش تفسیر، نشان دهنده بخشی از بینش و محتوای علمی مفسر نیز

هست. بیان این مطلب ما را به میزان تأثیرپذیری مفسر از مفسران قبلی و شخصیت علمی صاحب تفسیر رهنمون می‌گردد.

آیت‌الله معرفت ؛ از کتاب‌های زیادی در زمینه‌های مختلف بهره برده است. وی به کتاب‌های تفسیری قدیم و جدید استناد جسته، احادیث موجود در آنها را - به ویژه - مورد بررسی قرار داده و در معنای آیات از برخی آنها استفاده نموده و در عین حال به تحلیل و نقد برخی دیگر پرداخته است.

حدود 30 کتاب تفسیری مورد مراجعه او بوده که بیشتر آنها برای نقل روایت و برخی دیگر برای نقل یا نقد نظریه و آراء مفسر تفسیر مورد استناد قرار گرفته است. از جمله آنها می‌توان به تفاسیر «نور الثقلین» حویزی، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر عیاشی، «التبیان» شیخ طوسی و «مجمع البیان» طبرسی از شیعه و تفاسیر «الدر المنثور» سیوطی، «جامع البیان» طبری، تفسیر ابن کثیر، تفسیر بغوی و تفسیر قرطبی از اهل تسنن اشاره نمود.

در این کتاب بیش از 60 مأخذ حدیثی مورد استفاده قرار گرفته است که در میان آنان کتب اربعه شیعه و صحاح و مسانید اهل سنت دیده می‌شود.

نزدیک به 20 منبع رجالی مورد استناد مفسر بوده که می‌توان از «معجم رجال الحدیث» آیت‌الله خوئی ؛، رجال شیخ طوسی ؛، رجال علامه حلی ؛، «الاصابه فی تمییز الصحابه» ابن حجر عسقلانی و «میزان الاعتدال» ذهبی نام برد.

و بالغ بر 50 کتاب در زمینه‌های مختلف دیگر مورد مراجعه وی بوده که در میان آنها کتاب‌های لغوی، علمی، تاریخی و معاجم دیده می‌شود و بیشتر برای نقل نظریه و یا در تأیید یک مطلب تفسیری آمده و برخی نیز در جهت نقد نظریه نویسنده در پرتو آیات و مفاهیم قرآن مورد استفاده قرار گرفته است. مانند «العین» خلیل بن احمد فراهیدی، «لسان العرب» ابن منظور، «مجمع البحرین» طریحی، تاریخ ابن عساکر، «التاریخ الکبیر» بخاری، «معجم البلدان» حموی، معجم ابی یعلی.⁶



جایگاه نقل در «التفسیر الاثری الجامع»

آیت‌الله معرفت؛ در تعریف تفسیر نقلی چنین می‌نویسد:

«تفسیر نقلی یا تفسیر مأثور در بیان و تفصیل آیات مبهم، قبل از هر چیز، بر خود قرآن استوار است و سپس بر روایات نقل شده از معصوم (پیامبر ﷺ یا امامان معصوم) که جانشینان برگزیده آن حضرت‌اند) و بعد از آن، بر روایاتی از صحابه بزرگوار پیامبر و تابعان آنان که در توضیح و شرح دشواری‌های آیات مبهم وارد شده است.» (التفسیر و المفسرون، 17/2)

وی در مجالی دیگر تفسیر نقلی را سه‌گونه دانسته: تفسیر نقلی تنظیم یافته، مانند تفسیر طبری که در آن، نقل با نظم و نقد و نظر همراه است. تفسیر نقلی پراکنده و بدون نظم، مانند تفسیر «الدر المنثور» که سیوطی در آن روایات مربوط به هر آیه را بدون مراعات نظم و ترتیب و بدون ترجیح یا نقد و نظر آورده است و تفسیر نقلی به صورت گزینش روایات مورد قبول؛ در این روش از آوردن روایات ناپسند خودداری می‌شود، مانند روش ملا صالح برغانی در سه تفسیر کبیر، متوسط و مختصر. (معرفت قرآنی، 43-44/2)

تقسیم دیگر وی از تفاسیر نقلی، دو نوع پیوسته و ناپیوسته است؛ تفاسیر ناپیوسته مانند «البرهان»، «نور الثقلین» و قمی، به دلیل آنکه ذیل برخی آیات روایتی به دست نیامده و آیات به طور ناپیوسته آمده و در تفسیر آنها تنها به نقل روایات اکتفا شده است. در مقابل، تفسیر طبری و سیوطی تا حدودی از نوع پیوسته و فراگیر به حساب می‌آیند. (همان، 45)

با توجه به تعریف اول از تفسیر اثری، برای هر یک از چهار نوع آن (یعنی قرآن به قرآن، قرآن به سنت نبوی، قرآن به سخن صحابه و قرآن به گفته‌های تابعان) نمونه‌ای در «التفسیر الاثری الجامع» ذکر می‌گردد.

الف) تفسیر قرآن به قرآن

علامه معرفت ؛ در موارد متعددی، از قرآن برای تفسیر آیات بهره جسته که به چند نمونه اشاره می‌کنیم: در تفسیر آیه (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) به آیات توبه/72 و حدید/27 استشهاد کرده است. (التفسیر الاثری الجامع، 381/1)

همچنین در مورد تفسیر همین آیه به آیه (وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا) (نساء/69) استدلال نموده است. سپس با استفاده از آیات طه/81، نحل/106، ممتحنه/1 و بقره/108 توضیح می‌دهد که «صراط مستقیم» راه میانه است که غلو و تقصیر در آن نیست. (همان، 390/3)

ذیل آیه 208 سوره بقره (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ) آیاتی را در باب آداب معاشرت و برخورد انسان‌ها با یکدیگر آورده و در ادامه نیز به آیاتی پیرامون عفت استشهاد می‌کند. (همان، 5/273-271) از این نمونه‌ها در تفسیر فراوان دیده می‌شود.⁷

ب) تفسیر قرآن با سنت

شکی نیست که مجموعه احکام شرعی و فروع آن تفصیل مبهماتی است که در قرآن به طور مجمل و به شکل عام یا مطلق آمده و همه روایاتی که از معصومین صادر شده و نیز فعل و تقریر آنان که به منظور بیان ابعاد مختلف شریعت به ما رسیده، همه و همه، توضیح و تفسیر کلیاتی است که در قرآن کریم درباره احکام و اخلاق و آداب ذکر شده است. خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید: (وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) (نحل/44). بنابراین وظیفه اساسی پیامبر 9 تبیین مبهماتی است که در قرآن آمده است و از این رو، همه بیانات پیامبر 9 در زمینه ابعاد شریعت، تفسیر قرآن به حساب می‌آید. آیت‌الله معرفت ؛ نقش روایت را چنین می‌داند:

«نقش روایت این است که دست آدمی را می‌گیرد و 1400 سال نزد عرب‌های مخاطب آیه بالا می‌برد و ذهنیتی ایجاد می‌کند همانند ذهنیتی که آنان داشتند،



فضایی ایجاد می‌کند مانند همان فضایی که آنها داشتند، آدمی را آنجا می‌نشانند و می‌گویند به قرآن گوش بده، قرآن قشنگ حرف می‌زند، هیچ ابهامی ندارد. از نظر او روایت فضایی ایجاد می‌کند تا از نظر قرآن مطلب را دریافت کنیم.» (آفتاب معرفت، 26/)

علامه معرفت؛ معتقد است تمام قرآن توسط پیامبر اکرم 9 و ائمه معصومین تفسیر شده است. (التفسیر و المفسرون، 1/177) وی تفسیر مأثور از پیامبر اکرم 9 و ائمه معصومین را حجت می‌داند و البته در مقدمه تفسیر به این نکته تصریح نموده (التفسیر الاثری الجامع، 98/1) و در تفسیر نیز از روایات رسیده از این بزرگواران فراوان بهره برده است.⁸ در ذیل به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

درباره آیه شریفه (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) روایتی آمده که در آن ابوبکر خطیب در «الجامع» از امام باقر 7 نقل نموده که فرمود: «رسول الله 9 می‌فرماید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغازگر هر کتابی است.» همچنین در این زمینه روایاتی از امام علی و امام صادق 8 بیان نموده است. (همان، /324-325)

ذیل آیه 45 سوره بقره - (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ) - روایتی از امام علی 7 آورده که می‌فرماید: «پیامبر اکرم 9 فرمودند: صبر سه گونه است: صبر بر مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر معصیت.» (همان، 2/546)⁹

گاهی نیز روایات رسیده از ائمه؛ را به صورت مجزا ذیل آیات بیان می‌کند. مثلاً بیان وجوه کفر را در گفتار ائمه؛ به طور مجزا آورده است. (همان، 127-129) و یا ذیل آیات 30-39 سوره بقره به ذکر روایاتی از ائمه؛ مبنی بر اینکه زمین از حجت خالی نمی‌ماند، پرداخته است. (همان، 517)

ج) تفسیر قرآن بر اساس سخنان صحابه

سخنان صحابه از منابع تفسیر آیت‌الله معرفت؛ محسوب می‌شود و او این منبع را از نظر علمی و عملی معتبر می‌داند.

ایشان درباره صحابه می‌گوید:

«صحابه، کسانی که در دامان رسالت پرورش یافته و زلال گوارای دانش را

بدون واسطه از منبع اصلی‌اش نوشیده بودند و در سایه ارشاد و راهنمایی مستقیم پیامبر اکرم ﷺ درس دین آموخته بودند، بی‌تردید معانی قرآن را بهتر از دیگران می‌فهمیدند و بیش از دیگران به نشانه‌های روشن معارف عالی آن راه می‌یافتند.» (التفسیر و المفسرون، 21/2)

لیکن در مقدمه تفسیر، صحابه مشهور به تفسیر را تنها چهار نفر دانسته: حضرت علی 7،¹⁰ ابن مسعود، ابی بن کعب و ابن عباس و در سراسر تفسیر از سخن آنها برای بیان مفهوم آیات بهره برده است. در اینجا به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

ابن مسعود در تفسیر (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) می‌گوید: صراط مستقیم، کتاب خداست. (التفسیر الاثری الجامع، 384/1) و ابی بن کعب آن را «تَبْتِنَا» معنا کرده است. (همان، 382/)

ذیل آیه 79 سوره بقره - (فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ) - از ابن عباس آمده که «ویل» را شدت عذاب معنا کرده است. (همان، 320/3) و از ابن مسعود نقل شده که «ویل» وادی‌ای است در جهنم که برای اهل آتش و دروغگویان قرار داده شده است. (همان)¹¹

مفسر محترم غیر از صحابی یاد شده، روایات تفسیری صحابه دیگر نظیر جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری، (همان 319/3 و 387/5) ابوهریره، (همان، 403/1 - 404 و 367/2) عایشه، (همان، 405/1 و 304/4 و 308) ابوموسی اشعری، (همان، 372/2) عبدالله بن عمرو بن عاص، (همان، 371/1) عمر (همان، 70/4) و زید بن ثابت (همان، 123/6) را نیز نقل کرده که البته همه آنها را قابل قبول ندانسته و نقد و بررسی نموده است. به عنوان نمونه، از جابر بن عبدالله انصاری در تفسیر (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) آورده که می‌گوید: «صراط مستقیم، اسلام است که از آنچه بین آسمان و زمین است، وسیع‌تر و پهناورتر می‌باشد.» (همان، 384/1 و 266/4 و 123/5)



د) تفسیر قرآن بر مبنای گفته‌های تابعان

آیت‌الله معرفت؛ درباره‌ی تابعان می‌نویسد:

«بدون شک تابعان، به احادیث پیامبر ⁹ و دانشمندان صحابه بیشتر دسترسی داشته‌اند و معانی آیات قرآن را بهتر می‌فهمیدند؛ به راحتی به حوادث و رخدادهایی که با نزول آیات ارتباط داشت یا مستقیماً سبب نزول پاره‌ای از آیات بود دسترسی داشتند؛ نعمتی که مفسران دوره‌های بعد از آن برخوردار نبودند.» (التفسیر و المفسرون، 22/2)

گفته‌های تابعان و تابعان تابعان در تفسیر ایشان فراوان دیده می‌شود و حتی می‌توان گفت بیشتر از اینکه از صحابه در این تفسیر نقل شده باشد، از تابعان نقل گردیده است. به طوری که در تفسیر برخی آیات فقط سخنان تابعان و تبع تابعان آمده است.¹² به عنوان نمونه ذیل آیه 54 سوره بقره (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارئِكُمْ فَإِنَّمَا تَتَوَابَّوْنَ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لِّكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُّ الرَّحِيمُ)، از قتاده نقل می‌کند که عقوبت گوساله پرستی، قتل مقرر گردیده؛ چرا که آنها مرتد شدند، در حالی که کافر مباح الدم است. (التفسیر الاثری الجامع، 108/3)

البته باید گفت تمام سخنان آنان مورد پذیرش آیت‌الله معرفت؛ نیست؛ گاه برخی را پذیرفته و به عنوان تفسیر آیه از آنها بهره برده است، گاه به موارد اشکال و وجود تناقض بین آنها اشاره نموده (همان، 108/3 و 70/4) و در بیشتر موارد سکوت کرده و فقط به نقل اکتفا نموده است.

جایگاه فقه در تفسیر

آیت‌الله معرفت؛ در تفسیر خویش ذیل آیات الاحکام، روایاتی که حکم فقهی آیه را بیان نموده، آورده و سپس درباره‌ی آن حکم به طور مبسوط سخن می‌گوید. ایشان معتقد است که آیات مرتبط با اعمال مکلفان - آیات الاحکام - از پانصد آیه بسیار بیشتر و تقریباً به دو هزار آیه می‌رسد. وی می‌گوید:

«اگر به دقت به آیات و فحوای آنها بنگریم، این امر بر ما محقق می‌شود؛ هر

چند که گفته‌اند این بخش شامل حدود پانصد آیه است که به طور مستقیم با اعمال مکلفین اعم از عبادات و معاملات مربوط است، وگر نه تمامی آیات دستورهایی عملی است و بر همه مسلمانان واجب است که زندگی فکری و عملی خویش را بر آن منطبق سازند؛ دستورهایی عام و فراگیر که همه ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد.» (التفسیر و المفسرون، 228/2)

اکنون به مواردی از بحث‌های فقهی موجود در «التفسیر الاثری الجامع» اشاره می‌کنیم:

مفسر گرانقدر ذیل آیه (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا) (بقره/29) می‌نویسد: «این آیه و آیات مشابه آن به اصلی از قواعد فقهی اشاره دارد.» (التفسیر الاثری الجامع، 297/2-298) و متذکر مباحثی با عنوان «اباحة الذاتية تتبعها اباحة الظاهرية»، «سواء الشبهة الحكمية ام الموضوعية» شده و در انتها به بیان قاعده «قبح العقاب بلا بیان» می‌پردازد.

ایشان ذیل آیات 183-185 سوره بقره مبحثی کامل درباره روزه آورده و احکام آن را در روایات مذکور بیان نموده است. همچنین درباره ماه رمضان به موضوعاتی از قبیل «تعظیم التلطف بشهر رمضان» و «فی اشتقاق رمضان» اشاره کرده است. (همان، 448-497/4)

وی در باب «ارتداد» ذیل آیه (وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (بقره/217) به موضوعات اختلاف فقها در تحدید ارتداد، احکام مرتبط به آن و قبول توبه مرتد پرداخته و احادیث مربوط به آن را نقل نموده است. (همان، 413/5-418)

ذیل آیه 233 سوره بقره (وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنِمَّ الرِّضَاعَةَ)، مبحثی با عنوان «کلام عن حق الحضانة» آورده و آراء مختلف فقها را در این باب بیان نموده است. وی حضانت فرزند را تا هفت سالگی حق مادر دانسته و در انتها برای مطالب بیان شده، به روایاتی از ائمه استناد می‌کند. (همان، 57/6-)



جایگاه ادبیات و شعر در تفسیر

بر اساس آنکه زبان قرآن زبان عربی است، باید تشبیه‌ها، استعاره‌ها و کاربردهای مجازی و تعابیر کنایی قرآن کریم را مطابق با قواعد ادبی برگرفته از فصیح‌ترین گفتارها و نوشتارهای عربی به دست آورد و آیات قرآن را بر مبنای آنها تفسیر نمود. (بابایی، 105/)

آیت‌الله معرفت؛ به قواعد ادبیات عرب در «التفسیر الاثری الجامع» عنایت داشته و ذیل برخی آیات تحت عنوان «اللغة و الادب» به این موضوع پرداخته است. برای نمونه ذیل آیه 2 سوره مبارکه حمد می‌نویسد: «الحمد لله» جمله‌ای انشایی است برای شروع شکر پروردگار در برابر نعمت‌های فراوانش، و «لام» آن «لام» جنس است، نه استغراق. (التفسیر الاثری الجامع، 1/285)

مفسر محترم در مواردی به واژگان معرب اشاره کرده است. مثلاً از قول ابواسحاق ثعلبی آورده که واژه «الطور» به معنای «جبل» و به زبان سریانی است و همچنین می‌نویسد:

«برخی گفته‌اند همه لغات موجود در دنیا، در قرآن وجود دارد و برخی دیگر بر این عقیده‌اند که جایز نیست در قرآن لغتی غیر از لغت عرب باشد؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید: (قرآناً عربياً) (یوسف/2 و طه/113). (بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ) (شعراء/195) و هر آنچه در قرآن بدین گونه است، از باب «توارد لغتین» است.» (همان، 3/244-245)

آیت‌الله معرفت؛ دیدگاه خود را در این زمینه بیان ننموده است.¹³ علامه معرفت؛ در تفسیر خویش در بیان مفاد برخی از آیات و به ویژه مفردات قرآن کریم از اشعار عرب بهره برده است و به عنوان شاهدی برای بیان معنای واژگان در تفسیر مورد بحث فراوان یافت می‌شود.¹⁴

جایگاه سیاق در تفسیر

سیاق، قرینه پیوسته لفظی است که نوعی ویژگی برای واژگان، عبارت و یا یک سخن محسوب می‌شود و بر اثر همراه بودن آنها با کلمه‌ها و جمله‌های دیگر به وجود می‌آید. (بابایی، 118-120)

آیت‌الله معرفت؛ به سیاق آیات توجه نموده، برای آن نقش اساسی قائل شده و آن را بهترین قرینه پیوسته کلام برشمرده است. (التفسیر الاثری الجامع، 71/1)

وی بر این باور است که نظم میان آیات و ترتیب آنها توقیفی محض است، اما ترتیب سوره‌ها بعد از وفات پیامبر اکرم ﷺ و توسط صحابه کبار صورت گرفته، از این رو میان سوره‌ها سیاقی برقرار نیست. وی انواع سیاق را سه‌گونه می‌داند:

سیاق عام؛ که تمام قرآن از آغاز سوره حمد تا انتهای سوره ناس را در برمی‌گیرد. مفسر محترم در این باره می‌نویسد:

«اما سیاق عام، مقصود از سخن آنهاست که می‌گویند: قسمتی از قرآن بعضی دیگر آن را تفسیر می‌کند... پس چه بسا آیه‌ای که در جایگاه خاص خود دارای ابهام بوده و ابهام آن در آیه دیگر نظیر آن رفع می‌گردد.»

وی سپس به بیان مثال‌هایی در این زمینه می‌پردازد. (همان، 74-78، مفسر محترم در مجلد پنجم از کتاب التمهید به بحث سیاق اشاره نموده است؛ 188/5)

سیاق سوره: آیت‌الله معرفت؛ می‌گوید: هر سوره به لحاظ وحدت موضوعی خود سیاق خاصی دارد (همان، 75/1) و با دانستن جایگاه نزول آن، یعنی بسته به اینکه آیه در اوایل بعثت و قبل از هجرت و یا بعد از آن دو، به هنگام ضعف مسلمین یا هنگام قدرت و شوکت آنان یا زمان تهدید یا تشریح نازل شده - در سایه سیاق - روشن می‌شود که وجه دلالت آیه تکلیف است یا ارشاد، تبشیر است یا انذار. (همان، 78)

سیاق آیه: مفسر محترم معتقد است آیه یا آیاتی که با هم نازل می‌شوند نیز دارای سیاق هستند و این سیاق معنای لفظ را در جایگاه‌های متفاوت روشن می‌سازد. مفسر به عنوان نمونه لفظ «الدین» را در آیات مختلف بیان نموده و معانی آن را با توجه به سیاق متذکر شده است.



وی شروط تتابع نزول جملات در یک آیه یا آیاتی که با هم نازل می‌شوند، همچنین وحدت و ارتباط موضوعی حاکم بر جملات یا آیاتی که پیایی نازل می‌شوند را در سیاق آیه لازم می‌داند. (همان، 79-80)¹⁵

مباحث عرفانی در تفسیر

آیت‌الله معرفت؛ می‌گوید:

«تفسیر عرفانی بر اساس رمز و اشاره بنا نهاده شده است. عرفا بیشتر تعابیر قرآن را رمز و اشاره به اسرار نهفته‌ای می‌دانند که فقط خواص به آن راه دارند و عوام را بدان راهی نیست.» (معرفت قرآنی، 60/2)

وی عدم تقید عرفا به اصول ادبی و قواعد لغت را یکی از ناهمگونی‌های تفاسیر عرفانی می‌داند (التفسیر و المفسرون، 379/2) و بر این باور است ناهمگونی در تفسیر و تأویل آیات قرآنی - که ناشی از اختلاف ذوق آنان است - از شاخصه‌های این تفاسیر به شمار می‌آید. (همان، 383) نمونه‌هایی از تفسیر اشاری و عرفانی در «التفسیر الاثری الجامع» دیده می‌شود.

آیت‌الله معرفت ذیل آیه 54 سوره بقره تحت عنوان «تحقیق لطیف»، به نقل سخنان «سلمی» و «قشیری» پرداخته است. (التفسیر الاثری الجامع، 3/111) گاه ضمن بیان حدیثی از ائمه اطهار، به نقل قول مفسری می‌پردازد که در تفسیر عرفانی آن سخن گفته است. به عنوان مثال ذیل آیه (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) روایتی از امام صادق 7 نقل کرده و سپس کلام فیض کاشانی را در «تفسیر صافی» در توجیه عرفانی آن بیان می‌دارد. (همان، 388-389/1)

آیت‌الله معرفت؛ در مقدمه تفسیر تحت عنوان «التأویل عند ارباب القلوب» مباحثی را پیرامون تفاسیرهای عرفانی و صوفیه بیان کرده و تلاش نموده راه آنان را از باطنیه جدا سازد؛ چرا که عرفا تفسیرهای اهل شریعت را در اخذ به ظاهر قرآن پذیرفته و آنها را در نزول قرآن اصل می‌دانند، لیکن در رابطه با آیات قرآن از ذوق‌های قرآنی لطیفی برخوردارند که نوعی واردات قلبی و الهامات قدسی به شمار می‌آید. از این رو میبیدی در تفسیر «کشف الاسرار» بین ظاهر و باطن جمع

کرده است. (همان، 43/ مفسر محترم معتقد است که این‌گونه سخنان از باب تداعی معانی است، نه تفسیر اصطلاحی.¹⁶)

مباحث کلامی در «التفسیر الاثری الجامع»

مباحث کلامی از دیگر موضوعاتی است که آیت‌الله معرفت؛ در تفسیر خویش بدان‌ها پرداخته است. گاه نظرات مختلف پیرامون مسئله‌ای را مطرح می‌کند و سپس درباره آن توضیح می‌دهد. از جمله این موضوعات می‌توان به مباحثی از قبیل ایمان، (2/ 69-102) اراده، (2/ 47 و 3/ 569) شفاعت، (3/ 28) رؤیت خدا، (3/ 130) امامت، (4/ 52) عصمت، (4/ 57-58) رجاء، (5/ 377) ارتداد (5/ 43) و تفضیل رسل (6/ 235) اشاره نمود.

تفسیر موضوعی در «التفسیر الاثری الجامع»

آیت‌الله معرفت؛ می‌گوید:

«تفسیر قرآن از آغاز به دو شکل ترتیبی و موضوعی¹⁷ تقسیم شد، با این تفاوت که مفسران در تفاسیر ترتیبی اکثراً به نقل اقوال و آثار سلف در زمینه تفسیر اکتفا کرده‌اند و در تفسیرهای موضوعی تنها به فقه و لغت پرداخته‌اند. تا اینکه متأخران، ناسخ و منسوخ و اسباب نزول و دیگر مباحث قرآنی را به تفسیر افزودند و برای هر یک از این جوانب به طور جداگانه کتاب‌هایی تألیف کردند.» (التفسیر و المفسرون، 2/ 14-15)

هر چند ظاهر «التفسیر الاثری الجامع» تفسیری ترتیبی است، اما گاه شیوه موضوعی در آن به چشم می‌خورد. بدین معنا که آیات پیرامون برخی مسائل را یک جا آورده و مباحث کاملی در آن زمینه بیان نموده است که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

از جمله مواردی که در تفسیر به صورت موضوعی بدان پرداخته شده، «روح» است. آیات مربوط به روح در سوره‌های مختلف جمع‌آوری و معانی مختلف و



کاربردهای آن بیان شده است. (التفسیر الاثری الجامع، 3/ 348-350؛ معرفت قرآنی، 277/2)

«قلب» موضوع دیگری است که در اصطلاح قرآنی بررسی شده است. (التفسیر الاثری الجامع، 3/ 372-374؛ معرفت قرآنی، 273/2)

سخنی در باب صبر با توجه به آیاتی که در قرآن در آن مقام آمده، آورده شده است. (التفسیر الاثری الجامع، 4/ 203-223)

فرقان در قرآن (همان، 499) و عرش و کرسی (همان، 6/ 261-265) از دیگر نمونه‌های تفسیر موضوعی است.

ذیل برخی آیات نیز به مناسبت، یک بحث موضوعی عرضه شده و با استفاده از روایات، آن مباحث شرح داده شده است؛ مانند مباحثی در باب حمد و شکر (همان، 1/ 363-372)، صراط مستقیم (همان، 381-397)، ایمان (همان، 2/ 69-88)، وجوه کفر (همان، 127-131) و جهاد (همان، 5/ 320-370).

علوم قرآنی در «التفسیر الاثری الجامع»

با توجه به اینکه مسائل علوم قرآنی ابزاری برای فهم مفهوم آیات الهی هستند، از این رو مفسران در میان تفسیر مباحثی در این باب مطرح می‌نمایند. آیت‌الله معرفت؛ نیز در «التفسیر الاثری الجامع» برخی مباحث علوم قرآنی را بازگو نموده است.

الف) اعجاز

آیت‌الله معرفت؛ ذیل آیه 23 و 24 سوره بقره بابی تحت عنوان «حدیث التحدی» آورده است و درباره تحدی، اعجاز و وجوه اعجاز مطالبی را بیان نموده است. البته ایشان سه جلد از کتاب «التمهید فی علوم القرآن» را به این مسئله اختصاص داده و به طور مفصل در آنجا به مبحث اعجاز پرداخته و در کتاب علوم قرآنی نیز فصلی در اعجاز قرآن آورده است.

مطلب جدیدی که وی در این تفسیر در باب اعجاز بیان می‌کند، در بحث تحدی است. قرآن در چند مرحله، تحدی و هم‌آورد خواستن خود را مطرح کرده است. آیت‌الله معرفت ؛ این مراحل را از اشدّ به اخفّ می‌داند؛ (همان، 190/2) یعنی در ابتدا به سخنی همانند قرآن (حدود 45 سوره که تا آن زمان نازل شده بود)، سپس به ده سوره و در نهایت به یک سوره تحدی شده است. اما چنانچه به آیات تحدی از نظر سیر نزولی توجه نماییم - که آیت‌الله معرفت ؛ نیز در جلد اول التمهید بیان کرده است -، ترتیب نزول آیات و سوره‌ها به صورت زیر خواهد بود:

1- آیه 88 سوره اسراء؛ پنجاهمین سوره نازل شده در مکه و در آن تحدی به کل قرآن شده است. در «التفسیر الاثری الجامع» آخرین آیه تحدی عنوان شده است.

2- آیه 38 سوره یونس؛ پنجاه و یکمین سوره نازل شده در مکه و در آن تحدی به یک سوره شده است، در حالی که در این کتاب به عنوان آیه سوم آمده است.

3- آیه 13 سوره هود؛ پنجاه و دومین سوره نازل شده در مکه و در آن تحدی به ده سوره شده است. این آیه در مرحله دوم آیات تحدی قرار دارد.

4- آیات 33 و 34 سوره طور؛ هفتاد و ششمین سوره نازل شده در مکه و در آن تحدی به «حدیث مثله» شده و این آیه اولین آیه تحدی ذکر شده است.

5- آیات 23 و 24 سوره بقره؛ هشتاد و هفتمین سوره نازل شده در مدینه و در آن تحدی به یک سوره شده است و در مرحله چهارم آیات تحدی قرار دارد.

با نظر به این سیر نزولی، متوجه می‌شویم با آنچه در مراحل تحدی از نظر کمی عنوان شده - در ابتدا تحدی به کل قرآن، پس از آن به ده سوره و در آخر به یک سوره - متفاوت است و این ترتیب صحیح نیست.

آیت‌الله معرفت ؛ در کتاب «التمهید» و «علوم قرآنی» درباره اختلاف این سیر نزولی مطلبی بیان ننموده، اما در «التفسیر الاثری الجامع»، سیر نزولی سوره یونس و هود را بیان نموده و می‌گوید:

«سوره یونس که تحدی در آن به یک سوره شده -پنجاه و یکمین سوره از نظر



ترتیب -، قبل از سوره هود - پنجاه و دومین سوره از نظر ترتیب - که تحدی در آن به ده سوره شده نازل شده است.» (همان)

وی سؤالی مطرح می‌کند که آیا تحدی از اخفّ به اشدّ شده است؟ (همان، 191/)

و در پاسخ به آن می‌نویسد:

«اعتمادی به این ترتیبی که برای نزول بیان شده نیست که نتوانیم انتقادی بر آن داشته باشیم. شاید در اینجا تقدیم و تأخیری رخ داده یا در شماره سهل انگاری شده باشد. به ویژه اینکه اختلاف در بیشتر مواضع ترتیب معروف است. همچنین آیاتی وجود دارند که نازل شدند و بعد از زمانی و با تأخیر، سوره‌ای که آن آیه در آن است نازل شد و یا بر عکس، سوره‌هایی نازل می‌شد و آن‌گاه آیاتی از آنها با تأخیر نازل می‌گردید.» (همان)

وی برای مورد اول آیه صدع در سوره حجر¹⁸ - پنجاه و چهارمین سوره از نظر ترتیب - و آیه انذار در سوره شعراء¹⁹ - چهل و هفتمین سوره از نظر ترتیب - را بیان می‌کند که این دو آیه در سال‌های آغاز بعثت نازل شده، در حالی که سوره‌های حجر و شعراء در سال ششم و هفتم بعثت و متأخر از آن دو آیه نازل شده‌اند و برای مورد دوم، نزول آیه 281 سوره بقره که متأخر از آن سوره نازل شده را مثال می‌زند. (همان، 191/ و 192) و در انتها می‌گوید:

«بنابراین دیگر جایی برای جدال درباره آیات تحدی بر حسب نزول آنها نیست و تحدی به ده سوره قبل از تحدی به یک سوره می‌باشد.» (همان، 193/)

با این توجیه، شخص گوینده باید برای پذیرش تحدی از اشدّ به اخفّ، معتقد به امکان ترتیب نزول ناپیوسته آیات یک سوره باشد که آیت‌الله معرفت؛ در کتاب «التمهید» برخی از آیات را استثنا آورده که در ترتیب نزول سوره‌هایشان قرار نگرفته‌اند.

ب) نسخ

آیت‌الله معرفت؛ در «التفسیر الاثری الجامع» (504/3) و جلد دوم موسوعه ده جلدی «التمهید» (268/2)، منکر وجود نسخ در قرآن شده و آن را مردود و بی‌فایده دانسته است. این در حالی است که در کتاب «التمهید» (375/2) و «علوم قرآنی» (ص 199) تعداد آیات منسوخه را بیش از بیست مورد برشمرده بود.

وی عمده‌ترین دلیل انکار نسخ را وجود اختلاف و تضاد بین آیات قرآن می‌داند و معتقد است با توجه به فرموده خداوند متعال (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (نساء/82)، قرآن عدم اختلاف در میان گفته‌هایش را دلیل بر وحیانی بودن خود دانسته، در صورتی که اولین شرط قول به نسخ، وجود تنافی میان دو آیه ناسخ و منسوخ است که از وجود این تنافر و تضاد، به ثبوت نسخ پی برده می‌شود و اگر میان دو آیه برخوردی نباشد، ضرورتی ندارد که به نسخ قائل شویم. (التفسیر الاثری الجامع، 504/3) همچنین می‌گوید:

«استاد بزرگوار آیت‌الله خوبی؛ تمامی آیاتی را که پیشینیان گمان نسخ برده‌اند، به دلیل عدم تنافی میان آنها، مورد مناقشه قرار داده و هر دو آیه ناسخ و منسوخ را از محکومات شمرده است. حکم هر دو آیه ثابت و همچنان نافذ هست.» (التفسیر الاثری الجامع، 504/3؛ «نسخ در قرآن»، بینات، 103/)

ایشان موارد ناسخ و منسوخ را که مفسران بیان کرده‌اند، ذکر کرده و رد نموده است. به عنوان نمونه، عدم وجود نسخ در آیه نجوا (مجادله/12-13) را چنین بیان می‌کند:

«در آیه نجوا که ابتدا دستور داده شد تا پیش از هر پرسش از پیامبر اکرم ﷺ صدقه بدهند، سپس از این دستور صرف نظر گردید، برخی گمان نسخ برده‌اند. در صورتی که این نیز صحته بود برای تربیت مسلمانان در عهد اول که بی‌جهت مزاحم اوقات حضرت نگردند. مسلمانان با روبرو شدن با این صحنه، پیام آن را گرفتند و این پیام برای همیشه پابرجاست تا مراجعه به سران مسئول تنها در مسائل کلان و ارزشمند کشوری - دینی بوده باشد، نه در مسائل ریز و کم ارزش.» («نسخ در قرآن»، بینات، 103/)



ذیل آیه 140 سوره بقره نیز پس از اشاره به اینکه برخی گمان نسخ آن را برده‌اند، آن را رد کرده، نظرات مختلف پیرامون آن را بازگو نموده و در انتها نیز دیدگاه خود را بیان می‌دارد. (التفسیر الاثری الجامع، 6/ 161-165)

ذیل آیه 190 سوره بقره نیز سخن شیخ طبرسی؛ مبنی بر ناسخ بودن آیه را می‌آورد و سپس آن را رد می‌کند. (همان، 5/ 110)

ج) اسباب نزول

اسباب نزول از جمله مسائل علوم قرآنی است که در «التفسیر الاثری الجامع» مورد توجه مفسر قرار گرفته است. این شاخه از علوم قرآنی از همان آغاز مورد اهتمام مفسران بوده است. بنا به گفته دانشمندان علوم قرآنی، اولین کتابی که در این زمینه به نگارش در آمده، کتاب علی بن عبدالله مدینی با عنوان «اسباب النزول» و معروف‌ترین نوشته در این موضوع، کتاب واحدی نیشابوری است. (زرقانی، 21/ 2)؛ رامیار، 625/ (دیگران نظیر سیوطی،²⁰ زرکشی²¹ و زرقانی²² نیز به تفصیل درباره اسباب النزول بحث‌هایی دارند.

آیت‌الله معرفت؛ در کتاب «التمهید» (1/ 245-267) فصلی به بحث اسباب النزول اختصاص داده است، در کتاب «التفسیر و المفسرون» (1/ 230) ذیل معرفی تفسیر ابن عباس، اشاراتی به این موضوع دارد و در مقدمه «التفسیر الاثری الجامع» (1/ 176-180) نیز مبحثی در باب روایات اسباب نزول بیان نموده است. وی می‌گوید:

«اسباب النزول نقش بسیار مهمی برای رسیدن به مفاهیم قرآن دارد؛ زیرا آیات و سوره‌های قرآن به تدریج و در فواصل زمانی مختلف و مناسبت‌های گوناگون نازل گردیده است. از این رو آیه‌ای که در مناسبتی خاص و برای حل مشکلی خاص نازل گردد، با آن حادثه ارتباطی تنگاتنگ دارد، به گونه‌ای که اگر شناخت آن مناسبت میسر نگردد، فهم هدف اساسی آیه نیز ممکن نخواهد بود. لذا کسی که به بررسی مفاهیم قرآن همت می‌گمارد، قبل از هر چیز باید شأن نزول آیه را بداند، البته اگر شأن نزولی داشته باشد.» (التفسیر و المفسرون، 1/ 230)

همچنین ذیل برخی از بخش‌های آیات، روایاتی را که در سبب نزول آیات بیان شده آورده است.²³

د) حروف مقطعه

آیت‌الله معرفت ؛ بخشی از مقدمه تفسیر خود را به حروف مقطعه اختصاص داده - که تقریباً همان مطالب بیان شده در «التمهید» است (التمهید، 241/5-248 و در کتاب تناسب آیات نیز ذکر شده است؛ ص 135-162)- و در ابتدای سوره بقره برای تفسیر «الم» به مقدمه کتاب ارجاع داده است. وی می‌نویسد:

«در ابتدای 29 سوره از سور قرآن، یک یا چند حرف از حروف الفبا وجود دارد که مجموعاً 78 حرف است که با حذف مکررات، 14 حرف می‌شود. یعنی نصف حروف هجاء که 28 حرف است. این حروف را «حروف مقطعه» گویند. یعنی حرفی که پیش هم چیده شده‌اند، اما کلمه‌ای را تشکیل نداده‌اند. ولی در قرائت جدا از هم خوانده می‌شوند. بدرالدین زرکشی گوید: از ترکیب این حروف می‌توان این جمله را ساخت: «نص حکیم قاطع له سر». فیض کاشانی جمله «صراط علی حق نمسکه» را ساخته است.» (التفسیر الاثری الجامع، 181/1-182)

ایشان پس از ذکر برخی آراء مفسران دیگر، رأی مورد نظر خود را بیان کرده و این‌گونه می‌فرماید:

«رأی مختار همان اشارات رمزی است. یعنی این حروف مشتمل بر اسراری است که میان خدا و رسول بوده و امنای وحی بر آن آگاه‌اند و اگر امکان داشت دیگران از آن آگاهی یابند، از آغاز به صورت رمز در نمی‌آمد. آری، امکان دارد آثار و فوایدی بر آن حروف مترتب باشد، از قبیل آنچه زمخشری و زرکشی گفته‌اند و اخیراً علامه طباطبایی ؛ به آن اشاره فرمود. شاید این برداشت‌ها نمودی باشد از آنچه در این حروف نهفته است. باشد تا دیگران در آینده فواید ارزنده‌تری از آن دریابند. لذا هر چه باشد، این حروف یکی از موارد معجزه آسای قرآن به شمار می‌آید که اسرار بزرگی را برای

همیشه در بر خواهد داشت.» (همان، 192/)

در انتها به نقل روایاتی در فضیلت قرائت حروف مقطعه اکتفا نموده و آنها را مورد نقد و بررسی قرار نداده است. از جمله این روایات آن است که از قناده تابعی نقل شده «حروف مقطعه، اسامی قرآن است.» (همان، 192-198)

ه) مکی و مدنی

یکی از مسائل علوم قرآنی، مسئله شناخت سوره‌های مکی و مدنی است. آیت‌الله معرفت؛ تشخیص مکی یا مدنی بودن سوره‌های قرآن را به دلایل ذیل ضروری می‌داند:

1- شناخت تاریخ و مخصوصاً تسلسل آیات و سوره‌ها و تدریجی بودن نزول آنها.

2- فهم محتوای آیه در استدلال‌های فقهی و استنباط احکام.

3- آیات مورد استناد در استدلال‌ات کلامی.

4- حل بسیاری از مسائل قرآنی. (التمهید، 99/1؛ علوم قرآنی، 70-67)

وی به سه معیار زمان، مکان و خطاب در تشخیص سوره‌های مکی و مدنی اشاره نموده است (التمهید، 99/1-100؛ علوم قرآنی، 71) و در تفسیر خویش نیز ذیل آیه 21 سوره بقره، این مبحث را به طور اجمال مورد بررسی قرار داده است.

ز) قرائات

آیت‌الله معرفت؛ مبحث جداگانه‌ای را به قرائت آیات اختصاص داده، در این زمینه به طور مبسوط و گسترده به نقل روایات پرداخته (التفسیر الاثری الجامع، 271/1-287) و برخی از آنها را مورد مناقشه قرار داده است. به عنوان نمونه ذیل آیه کریمه (مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ)، قرائت «مالک یوم الدین» را که قرائت جمهور مسلمانان است، صحیح دانسته و قرائت «مَلک یوم الدین» را بدون اعتبار و از اختراعات مروان معرفی می‌کند. (همان، 280-281 و برای نمونه ن.ک: ص 283)



قابل ذکر است در سوره مبارکه بقره در موارد بسیار اندک، قرائت آیه، آن هم در ضمن روایتی ذکر شده است. مثلاً ذیل آیه 158 سوره بقره: - (فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا) - روایاتی از ابن عباس، ابن مسعود و مجاهد آورده که این آیه را به صورت «فلا جناح علیه ان لایطوف بهما» قرائت کرده‌اند. از قرطبی نقل کرده که این قرائت، خلاف آن چیزی است که در مصحف نوشته شده و آنچه در مصحف ثبت شده باشد، با قرائتی که صحت آن مشخص نیست، ترک نمی‌شود. همچنین عطاء از ابن عباس روایاتی را شنیده که به صورت مرسل نقل کرده است. (همان، 306/4 - 307)

جایگاه نقد حدیث در «التفسیر الاثری الجامع»

نقد حدیث را می‌توان به دو نوع کلی بررسی سند و نقد محتوا تقسیم کرد که این دو در عرف امروز به ترتیب به نقد خارجی و نقد داخلی مشهورند.²⁴ در «التفسیر الاثری الجامع» روایات ذیل آیات دسته بندی شده و برای برخی از آنها هیچ گونه نقدی - نه از جهت سند و نه از جهت محتوا - صورت نگرفته است. بعضی دیگر از جهت سند و بخشی نیز از جهت محتوا و گروهی از هر دو جهت مورد نقد قرار گرفته‌اند. در ذیل به طور جداگانه به بررسی سندی و محتوایی که بر روایات تفسیری انجام یافته، اشاره می‌کنیم و مثال‌هایی می‌آوریم. قابل ذکر است که علامه معرفت؛ اشکال حدیث را اغلب با لفظ «قُلْتُ» ذیل آن بیان می‌کند.

الف) نقد سند

آیت‌الله معرفت؛ سند روایات در «التفسیر الاثری الجامع» را با توجه به منبع روایت ذکر می‌کند؛ یعنی چنانچه در سند آن روایت، آخرین راوی سند یا تمامی سند ذکر شده باشد، به همان صورت می‌آورد و از آنجا که بررسی سند بخشی از ارزیابی حدیث را تشکیل می‌دهد، وضعیت سند در داوری نهایی وی درباره روایات به عنوان قرینه مطرح است و برای پذیرفتن روایت، وجود اشکال در متن



آن را لازم می‌داند. با این همه وی با احتمال صحت سند به توضیح روایت پرداخته و یا آن را به تأویل برده است.

به عنوان مثال ذیل آیه 2 سوره بقره در تفسیر واژه «الکتاب» حدیثی بدین صورت از عیاشی آمده: «سعدان بن مسلم از بعض اصحابه از امام صادق 7 می‌گوید: کتاب علی لا ریب فیه. هدی للمتقین.» (همان، 61/2) علامه معرفت؛ بعد از بیان حدیث می‌گوید:

«سعدان بن مسلم موثق نمی‌باشد و وجود «بعض اصحابه» سبب مجهول بودن سند است، بنابراین سند روایت صحیح نیست.»

و در پایان با احتمال صحت سند، حدیث را به تأویل می‌برد و می‌نویسد:
«شاید منظور کتابی است که حضرت علی 7 آن را تفسیر کرده است؛ زیرا حضرت قرآن ناطق در کنار قرآن صامت هست.» (همان، 62/ و برای نمونه بیشتر رک: همان، 378/1 و 105/2 و 234 و 22/6)

آیت‌الله معرفت؛ درباره روایاتی که در شأن و فضیلت سوره‌ها آمده، می‌گوید:
«این احادیث اصلی ندارند و بیشترشان موضوع و ساختگی هستند و نمی‌شود بدان‌ها اعتماد نمود. بیشتر متون حدیث با توجه به اینکه دارای سند معتبر و بالایی هستند، موهون و ضعیف بوده و متناسب با جایگاه رفیع قرآن نمی‌باشد.»
(همان، 17/2)

وی این روایات را در ابتدای سوره بقره نقل می‌کند و شناخت سلیم از سقیم آن را بر عهده خواننده می‌گذارد.

بررسی سندی حدیث، تنها بخشی از ارزیابی حدیث را تشکیل می‌دهد. عدم صحت آن می‌تواند قرینه‌ای برای ضعف حدیث تلقی شود، اما برای کنار گذاشتن روایت نیازمند دلیل محکم‌تری از نقد متن هستیم. در عین حال ضعف سند مجموعه‌ای از روایات در یک موضوع می‌تواند هشدار می‌باشد به محقق تا با دقت بیشتری در این دسته از روایات تأمل کند.

ب) نقد محتوا

نقد محتوا مهم‌ترین راه ارزیابی حدیث است. این امر همواره مورد توجه حدیث پژوهان به ویژه متأخرین بوده است. محدثان با لحاظ نقد محتوا، حدیث مضطرب، مقلوب، مصحف، مدرج، مزید و ... را شناسایی کردند و حدیث را با لحاظ کردن متن به دلیل وجود معارض، شاذ یا منکر دانسته‌اند.²⁵ آیت‌الله معرفت؛ برخی روایات را با توجه به متن آن از جهات مختلف به نقد کشیده است. در زیر به برخی ملاک‌های ارزیابی حدیث مورد تأکید وی اشاره می‌کنیم:

1- عرضه بر قرآن

اصلی‌ترین مورد نقد محتوایی، عرضه روایات بر قرآن کریم است. در روایات این امر بیان شده است. (مجلسی، 80/50) و علمای شیعه و اهل تسنن²⁶ بدان تصریح نموده‌اند.

آیت‌الله معرفت؛ همچون دیگر اندیشمندان، قرآن را مهم‌ترین ملاک ارزیابی روایات می‌داند و در مقدمه «التفسیر الاثری الجامع» می‌نویسد:

«از آن رو که احادیثی که از گذشتگان به ما رسیده، نقش اساسی در تفسیر و فهم معانی قرآن دارند، باید دید آیا در طول زمان سلامت و زلالی و خالصی آنها پایدار مانده است؟ این مطلب توجه دانشمندان اسلامی را به خود جلب کرده و موجب شده است که مرز شناخت احادیث صحیح از ساختگی را مشخص کنند و مهم‌ترین آن مرزها مطالبی است که پیامبر اکرم ﷺ به آن توجه داده که عبارت از «عرضه روایات بر کتاب خدا و آیات محکم آن» است. بر این اساس، روایاتی که موافق کتاب خدا باشند، حق هستند و آنچه مخالف آنها باشد، باطل است. باید دانست که کتاب در اینجا کنایه از محک‌های دین و بدیهیات عقلی است و شامل سنت مستحکم و برهان آشکار عقلی می‌شود و در نتیجه هر چه موافق آن است، صحیح و هر آنچه با آن مخالف باشد، ناصحیح است.» (219/1)

وی نسبت به دیگر علما معنای وسیع‌تری از عرضه بر قرآن در نظر گرفته است، علاوه بر مخالفت، جهت رد حدیث، موافقت آن با قرآن را دلیل صحت آن برشمرده است. همچنین در اینجا برای «الکتاب» در حدیث نبوی معنای وسیعی در



نظر گرفته است و آن را کنایه از محکمت دین و بدیهیات عقلی می‌داند که شامل سنت مستحکم و برهان آشکار عقلی می‌شود. در نتیجه موافق با آن را صحیح و مخالف با آن را ناصحیح پنداشته است.

وی مقصود از مخالفت یا موافقت با قرآن را موافقت یا مخالفت حرفی و لفظی با قرآن نمی‌داند، بلکه مراد از آن را مخالفت جوهری دانسته که با روح اسلام در همه قوانین و احکام آن منافات دارد. و معتقد است دانشمندان ژرفاندیش به دلیل علمی که به مواضع دین و اسرار شریعت دارند، می‌توانند بر آن اشراف یابند. (همان، 225/)

به عنوان نمونه در داستان سامری و گوساله، روایاتی آمده که ویژگی‌های «عجل» را بیان می‌کند. یکی از آن ویژگی‌ها سخن گفتن گوساله با مردم است که آیت‌الله معرفت؛ می‌گوید: هر آنچه در این باره آمده، مخالف صریح قرآن است و سپس صفات «عجل» را در آیات مختلف قرآن می‌آورد. (طه/ 88 و 99 و اعراف/ 148) در نهایت روایات موجود در این زمینه را علاوه بر مخالفت با عقل رشید، مخالف با آیات قرآن می‌داند. (همان، 82/3-83)

ایشان ذیل آیه 142 سوره بقره در بحث تحویل قبله، این حدیث را از ابن عباس نقل کرده که: «اولین آیه‌ای که از قرآن نسخ شد، آیه قبله است». آن‌گاه می‌گوید:

«در قرآن آیه‌ای به شأن قبله اول نبوده تا نسخ شود، بلکه فقط آیه ناسخ وجود داشته و شاید در تعبیر مسامحه شده است.» (همان، 135/4 و نیز رک: 3/ 237-238)

با توجه به اینکه مهم‌ترین ملاک آیت‌الله معرفت؛ عرضه روایت بر قرآن بوده، از این نمونه در «التفسیر الاثری الجامع» نسبت به دیگر موارد بیشتر است. (ر.ک: 323/4 و 344؛ 5/ 559؛ 6/ 163 و 285)

2- عرضه بر سنت

عرضه روایات بر حدیث معتبر، نکته‌ای است که پیامبر اکرم 9 یاران خود را بدان متنبه ساخته‌اند²⁷ و ائمه معصومین؛ نیز بر آن تأکید کرده‌اند؛

«از ما سخنی را که بر خلاف قرآن باشد، نپذیرید؛ چرا که ما چون سخن بگوییم، در موافقت با قرآن و سنت سخن خواهیم گفت. ما از خداوند و رسول گرامی‌اش حدیث می‌کنیم. همانا سخن آخرین ما مانند کلام اولین ماست و کلام اولین ما مؤید کلام آخرین ماست. پس اگر کسی آمد که جز این بر شما روایت کرد، سخنش را به خودش باز گردانید.» (مجلسی، 249/2)

بیشتر علما و اندیشمندان، عرضه به سنت را دومین ملاک ارزیابی حدیث می‌دانند. برخی از آنان سنت را به صفتی همچون تواتر یا استفاضه مقید کرده‌اند. (سبحانی، 60/)

آیت‌الله معرفت ؛ در بیان روش خویش در مقدمه «التفسیر الاثری الجامع»، عرضه روایات تفسیری به سنت را بیان نموده و در تفسیر از آن بهره برده است. از جمله مواردی که جهت نقد حدیث آن را با سنت رد کرده، می‌توان به روایتی اشاره کرد که در بحث «متعة فی الحج» آمده که عمر متعه در ایام حج را رد می‌کند (التفسیر الاثری الجامع، 152/5) و علامه معرفت ؛ با بیان روایتی از پیامبر اکرم ۹ مبنی بر اینکه متعه در انجام حج اتفاق می‌افتد، از انکار عمر بعد از تأکید بلیغ حضرت تعجب می‌کند و به جهت عدم همخوانی با روایت پیامبر اکرم ۹ کنار گذاشته می‌شود. (همان، 153/ و برای نمونه بیشتر ن.ک: 65/5، 26/6 و 115)

3- تعارض با عقل

یکی از راه‌های شناخت سره از ناسره احادیث، مخالفت با سنجش عقلی است که عموم پژوهشگران و محققان اسلامی در میان اهل سنت و شیعه آن را معتبر می‌شمارند. علامه طباطبایی ؛ (طباطبایی، 339/13) و آقای سبحانی (سبحانی، 64-65) از شیعه، مخالفت روایت با عقل را دلیلی برای عدم پذیرش آن دانسته‌اند. همچنین صبحی صالح (صبحی صالح، 265/) و ادلبی (ادلبی، 305/) از اهل تسنن آن را از ملاک‌های ارزیابی حدیث می‌دانند.

آیت‌الله معرفت ؛ در مقدمه «التفسیر الاثری الجامع»، روایتی از پیامبر اکرم ۹ نقل می‌کند که: «اذا اتاکم عنی حدیث فاعرضوه علی کتاب الله و حجة عقولکم». بدین



معنا که رسول خدا ﷺ عقل را در کنار کتاب خدا، معیاری جهت تشخیص سلیم از سقیم قرار داده است. (التفسیر الاثری الجامع، 225/1)

علامه معرفت ذیل برخی روایات که در باب چگونگی نزول «بسمله» آمده، می‌گوید:

«می‌دانیم از همان آغاز نزول و با آیات آغازین، «بسم الله الرحمن الرحيم» نیز نازل شده است و این روایات ساختگی هستند و هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که بسمله بدین گونه نازل شده باشد.» (همان، 356/)

ذیل آیه 229 سوره بقره: - (الطلاق مرتان...) - روایتی از امام صادق 7 آمده که از حضرت درباره مردی که همسرش را در یک مجلس سه بار طلاق داده، سؤال می‌شود و حضرت در پاسخ به او می‌فرماید: «من آن را درست می‌دانم؛ اما پدرم (امام باقر 7) آن را یک بار حساب می‌کند!»

مفسر محترم در نقد آن چنین می‌نویسد:

«با چشم‌پوشی از ضعف سند، چنین چیزی غیر معقول است، زیرا ائمه معصوم : نور واحدی هستند که سخن اولین آنها همان کلام آخرینشان است.» (همان، 21/6-22. برای نمونه دیگر ن.ک: 271/4 و 559/5)

این سه مورد، ملاک‌های اصلی علامه معرفت ؛ است که در ارزیابی حدیث در مقدمه «التفسیر الاثری الجامع» بدان تصریح نموده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

«التفسیر الاثری الجامع»، تألیف مفسر ارجمند آیت‌الله معرفت ؛، تفسیری است که از طریق آن می‌توان به روایات تفسیری فراوانی دست یافت. از جمله امتیازات این تفسیر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

1. قبل از ذکر روایات مربوط به هر آیه، بخش‌هایی از آیات تعیین گردیده، از این رو اطلاع از روایات مربوط به هر آیه آسان است و از طریق فهرست کاملی که در ابتدای تفسیر آمده، می‌توان به راحتی به مطالب تفسیری دست یافت.

2. دسته‌بندی شدن روایات از نظر مضمون و محتوا در یک موضوع از دیگر مزایای این تفسیر است.

3. در این تفسیر هنگام نقل روایت یا کلام تابعی و صحابه، نام منبع آن ذکر شده و از این رو دسترسی به مصادر آن آسان است.

4. در این تفسیر علاوه بر روایات شیعی، به دیگر روایات نیز توجه شده و حتی سخنان صحابه و تابعین آورده شده است. آیت‌الله معرفت؛ با استفاده از احادیث و اقوال مفسران فریقین در کنار هم، با نقدی منصفانه ذیل برخی از آنها، رویکردی جدید در تفسیر شکل داده است و این امر زمینه‌ساز وحدت بین شیعه و اهل تسنن و استفاده همگان از احادیث اهل بیت : و پی بردن به نقاط قوت روایات فریقین و رفع نقاط ابهام و ضعف آنها می‌شود.

و با توجه به این مطلب که هدف از نگارش تفسیری اثری در قرن پانزده هجری، نقد، بررسی و تمحیص روایات تفسیری بوده، به نظر نگارنده، مفسر محترم به این منظور توجه زیادی ننموده؛ زیرا در بیشتر موارد تنها روایات آمده و هیچ گونه توضیحی درباره آن بیان نشده است. خواننده این تفسیر تکلیف این روایات را نمی‌داند که آیا مورد پذیرش مفسر بوده یا تشخیص صحت و عدم صحت آن به خواننده واگذار شده است؟

همچنین فقدان نتیجه‌گیری بعد از نقل و نقد و بررسی روایات احساس می‌شود، چون تفسیر بنا بر گفته مفسر فقط نقل روایات نیست، از این رو جمع‌بندی مطالب روایات نیز لازم می‌آید.

با مطالعه «التفسیر الاثری الجامع»، روشن می‌گردد که روش غالب تفسیر، نقلی بوده و مفسر نقل معتبر را قرآن کریم، روایات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار :، سخنان صحابه و تابعین - در صورت صحت محتوا و سند آنها- می‌داند و نص معتبر خویش را مرجعی موثق جهت فهم معنای آیات قرآن به شمار می‌آورد.

با توجه به اهداف سه‌گانه مفسر (گردآوری و جمع‌آوری روایات تفسیری در یک مجموعه، نقد و بررسی عالمانه و منصفانه روایات و نشر فرهنگ اهل



بیت (:) به نظر می‌رسد مفسر محترم به هدف اول و سوم نسبت به هدف دوم تا حد زیادی دست یافته است.

پی نوشت‌ها:

1. همچون آیت الله علی اکبر نائینی ؛ آیت الله شیخ هادی طهرانی ؛ آیت الله سید محسن حکیم ؛ آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی ؛ آیت الله میرزا محمد باقر زنجانی ؛ آیت الله شیخ حسین حلی ؛ و امام خمینی ؛.
2. مفسر در این بخش خواننده را به کتاب «التفسیر و المفسرون» ارجاع داده و پس از اشاره به معنای لغوی و اصطلاحی تفسیر و تأویل، روایاتی در باب ظاهر و باطن قرآن ذکر نموده است.
3. مفسر در ابتدای این بخش، آفات تفاسیر نقلی و اجتهادی را بیان کرده است. وی اهمّ مواضع آفت در تفاسیر اثری را وجود اسرائیلیات و جعل احادیث دانسته و اهمّ آفات تفاسیر اجتهادی را احتمال تفسیر به رأی و تحمیل رأی شخصی به قرآن می‌داند. (ج 1، ص 129)
4. در این قسمت، مفسر شیوه کار خود را بیان نموده و چند نمونه از عرضه روایت بر قرآن را ذکر کرده است.
5. هر چند به تناسب در برخی موارد به تفسیر موضوعی آیات نیز پرداخته است.
6. از هر کدام نمونه‌ای بیان شد. خواننده محترم می‌تواند برای مشاهده لیست کامل این منابع، به بخش فهرست منابع «التفسیر الاثری الجامع»، انتهای جلد 1 مراجعه نماید.
7. ر.ک: التفسیر الاثری الجامع، 90/5 و 299، 36-34/4 و 124، 189-188/6 و 62/2.
8. قابل ذکر است که مفسر محترم روایات ائمه : را زیر مجموعه روایات صحابه و تابعان می‌داند، اما از آنجا که روئے ایشان در تفسیر، ذکر جداگانه این روایات از سخنان صحابه و تابعان است، ما نیز این موضوع را در این بخش متذکر می‌شویم.

9. برای مطالعه بیشتر ن.ک: التفسیر الاثری الجامع، 299/2، 529/6 و 64 و 31، 148/4 و 196 و 340/5 و 268 و 259.
10. البته روایات منقول از امام علی 7 را در بخش تفسیر قرآن به سنت ذکر نمودیم.
11. از این نمونه‌ها در «التفسیر الاثری الجامع» فراوان یافت می‌شود، بدین معنا که بیان سخنان صحابی را می‌توان در ذیل بیشتر آیات مشاهده کرد. ر.ک: 371/4 و 402، 302/5 و 366، 75/3 و 77، 125/6 و 178 و 258.
12. برای نمونه: ر.ک: التفسیر الاثری الجامع، 85/3 و 99 و 147، 500/2 و 516.
13. نگارنده تا بدانجا که در کتاب علوم قرآنی و تفسیر ایشان جستجو نموده، نظری از وی در این باره نیافته است.
14. برای نمونه ر.ک: 62/2، 68، 124، 149، 224 و 433، 52/3، 101، 207، 208، 224 و 228، 15/4، 216، 237، 347، 394، 416 و 516، 63/5 و 64 و 455، 267/6، 269، 311، 335-339 و 383.
15. برای دیدن نمونه‌ها ر.ک: التفسیر الاثری الجامع، 374/4 و 409، 543/3، 521/2، 280/5، 37/6.
16. وی در کتاب «التفسیر و المفسرون» نیز به این مطلب اشاره نموده است (ج 2، ص 375).
17. تفسیر ترتیبی و موضوعی تمایزی است که نزد عده‌ای رایج است. این اصطلاح را شلتوت به کار برده (من هدی القرآن، ص 322-323) و شهید صدر آن را به ترتیب «روش تجزیه‌ای» و «روش توحیدی» در تفسیر نامیده است. (المدرسة القرآنية، ص 8-12).
18. (فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ) (حجر/94).
19. (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (شعراء/214).
20. بخشی در الاتقان و کتاب لباب النقول فی اسباب النزول.
21. در البرهان.
22. در مناهل العرفان.



23. نمونه‌هایی در بخش رویکرد آیت‌الله معرفت ؛ به روایات تفسیری ذیل مبحث بیان اسباب نزول بیان شد.
24. تعبیر نقد داخلی و خارجی از اصطلاحاتی است که در نقد ادبی به کار می‌رفته و به مباحث اصولی جدید راه یافته است. ن.ک: الرافد فی علم الاصول، ج 1، ص 12.
25. برای تعریف انواع حدیث ر.ک: مقباس الهدایه فی علم الدرایه، ج 1، ص 390-255.
26. جعفر سبحانی، الحدیث النبوی بین الروایة و الدرایة، ص 54 و جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج 1، ص 137-138 (از علمای شیعه) و عزم‌الله دمینی، مقایس نقد متون السنة، ص 117 (از علمای اهل سنت).
27. در بیشتر احادیثی که در آن عرضه بر قرآن آمده، عرضه بر سنت نیز بر آن عطف شده است.

منابع و مأخذ:

1. قرآن کریم.
2. ادلی، صلاح‌الدین؛ منهج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی، بیروت، دارالآفاق الجدید، 1403ق.
3. بابایی، علی‌اکبر و همکاران؛ روش شناسی تفسیر قرآن، تهران، انتشارات سمت، 1379ش.
4. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم، بی‌جا، نشر اسراء، 1378ش.
5. الدمینی، عزم‌الله؛ مقایس نقد متون السنة، ریاض، 1404ق.
6. رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر، 1379ش.
7. زرقانی، محمد عبدالعظیم؛ اسباب النزول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1991م.
8. سبحانی، جعفر؛ الحدیث النبوی بین الروایة و الدرایة، بیروت، مؤسسة الاعلمی، 1405ق.
9. سیستانی، سیدعلی؛ الرافد فی علم الاصول (محاضرات)، قم، نشر مکتبه السید سیستانی، بی تا.

10. شلتوت، محمود؛ من هدی القرآن، قاهره، دارالکتب لطباعة و النشر، بی تا.
11. صالح، صبحی؛ علم الحدیث و مصطلحه، چاپ نهم، بیروت، دارالعلم للملایین، 1978م.
12. صدر، محمداقبر؛ المدرسة القرآنیة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی تا.
13. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، 1395ق .
14. مامقانی، عبدالله؛ مقیاس الهدایة فی العلم الدراییة، بی جا، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1411ق.
15. مجلسی، محمداقبر؛ بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404ق.
16. معرفت، محمدهادی؛ تفسیر و مفسران، چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، 1385ش.
17. _____؛ التمهید فی علوم القرآن، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، 1415ق.
18. _____؛ آفتاب معرفت (ویژه نامه چهلمین روز ارتحال فقیه فرزانه، استاد علوم قرآنی، مفسر بزرگ آیت الله علامه حاج شیخ میرزا محمدهادی معرفت «1»)، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، 1385ش.
19. _____؛ التفسیر الاثری الجامع، قم، مؤسسه التمهید و المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، 1383ش.
20. _____؛ علوم قرآنی، چاپ سوم، قم، انتشارات سمت و التمهید، 1385ش.
21. _____؛ مجموعه مقالات، معرفت قرآنی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1-5 ج. 1387ش.
22. _____؛ «نسخ در قرآن در تازه ترین دیدگاهها»، فصلنامه بینات، شماره 44، سال یازدهم، 1383ش، ص 107-99.